

The Influence of Strategic Culture Components on Bilateral and Regional Relations between Iran and Russia

Akbar Valizadeh¹

Assistant Professor, Regional Studies Department, Faculty of Law & Political Science, University of Tehran

Somayeh Kazemi

Ph.D. Student, Regional Studies Department, Faculty of Law & Political Science, University of Tehran.

(Date received: 16 February 2022- Date approved: 18 August 2022)

Abstract

Introduction: The concept of strategic culture has been used in the field of international relations, foreign policy and national security. There are several definitions of strategic culture but there is still no agreement on a definition that is universally accepted by researchers and policy makers. However, in most definitions, it is agreed that strategic culture is the product of a country's geography, history and shared narratives that shape its dominant worldview and guide its response to challenges and threats.

Strategic culture has emerged as an alternative perspective in international relations due to the inability of realism and neorealism theories to explain the behavior of governments during the Cold War. In its development, there are three generations of strategic culture thinkers that have different understanding of this concept. In the first generation, strategic culture is a perspective to analyze how a state behaves in the face of threats. In the second generation, strategic decisions are based on the attitudes and beliefs of leaders whereas the third generation, strategic decisions are based on the system of symbols that develop in a state. The perspective of strategic culture believes that internal factors such as geopolitical situation, historical experiences, political culture and ideology determine the performance of a government and response to challenges. Although it is closely related to the military aspect, the perspective of strategic culture explains the government's behavior in response to the new nature of

1. E-mail: akbarvalizadeh@ut.ac.ir (Corresponding author)

threats that have arisen because of globalization, including terrorism and cultural conflicts. The purpose of this article is to analyze the strategic culture of Iran and Russia and its effect on the relations between the two countries.

Russia's strategic culture comes from the intersection of political, military and economic culture. It is rooted in the geographic and spiritual parameters of Russian history. Geopolitics, authoritarianism, pragmatism and global responsibility are sources of Russia's strategic culture. Political behavior and military strategy of Iran is shaped by its strategic culture which is influenced by that country's religious and political ideology, geography, historical roots and international / regional environment. Specifically, Shi'ism is an important component in Iran's foreign policy decisions. Historical experiences dating back to centuries ago left a legacy of a deep sense of strategic isolation and foreigners had repeatedly invaded insecurity for Iranians, as their land. The final strategic goals of Iran are to maintain national sovereignty, achieve long-term cultural, political, economic and military development and strengthening its role and influence as a regional and global power considering Iran's size, capabilities and historical experience.

Research Question: What effect has strategic culture had on bilateral and regional relations between Iran and Russia after the collapse of the Soviet Union?

Research Hypothesis: The strategic culture has prevented the creation of a model of stable interaction and strategic relations between Iran and Russia after the collapse of the Soviet Union.

Methodology (and Theoretical Framework if there are): This article examines Iran-Russia relations in the framework of theoretical foundations of strategic culture with Qualitative method and in-depth analytical approach.

Results and Discussion: A key element of Russia's strategic culture is its long history of war and troubled relations with the West. The revivals of Eurasianism, near abroad policy and increasing its military power have been a response to its perceived vulnerability in the world and towards the West in particular. Strategic ambiguity, deterrence and pragmatism are the basis of Iran's actions in the framework of strategic culture. Geopolitics, pragmatism, historical experiences and

deterrence against the West are common components of the strategic culture of Iran and Russia. In order to understand the strategic culture of the two countries, military and foreign policy doctrines, as well as the attitude of their leaders and officials should be taken into consideration. Analyzing the relations between Iran and Russia in the framework of strategic culture provides the possibility of pathology of relations and formulation of a comprehensive strategy and regulation of neighborhood policy to ensure national interests and security.

Conclusion: According to the strategic culture components of Iran and Russia, the two countries have different perceptions of strategic relations. Relations between Iran and Russia have been described as a rapprochement based on cautious partnership. Contrary to Iran's strategic culture, Russia's strategic culture is aggressive in nature. The threat of the West has provided the basis for the rapprochement of the positions of Iran and Russia, but the anti-American positions do not create a basis for the cooperation of the two countries. According to the discourse of the Islamic Revolution, establishing strategic relations with Iran creates a challenge for Russia's interests in the Middle East. Russia's priority is relations with countries that take advantage of their geopolitical position and political and military capacity to interact with the West. Therefore, Iran and Russia consider each other as temporary allies in order to achieve their goals, interests and repel threats. Realism and separation of interests is a prerequisite for creating a model of sustainable interaction between the two countries.

Keywords: Russia, Strategic Culture, Eurasianism, Iran, West, Relations.

تأثیر مؤلفه‌های فرهنگ راهبردی بر روابط دوجانبه و منطقه‌ای ایران و روسیه

اکبر ولی زاده*

استادیار، گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران

سمیه کاظمی

دانشجوی دکتری، گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۷ - تاریخ تصویب: ۱۴۰۱/۵/۲۷)

چکیده

فرهنگ راهبردی در تدوین سیاست‌ها، تنظیم آئین‌ها، تعیین هدف‌های کلان دفاعی - امنیتی، جهت‌گیری سیاست خارجی کشورها و مبانی هویتی دولت‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. پیشینه تاریخی، ویژگی‌های فرهنگی و موقعیت جغرافیایی منابع مشترک، فرهنگ راهبردی کشورها را شکل می‌دهند که در قانون اساسی و فرهنگ سیاسی آن‌ها منعکس شده است. مؤلفه‌های فرهنگ راهبردی، مبنای هدف‌ها و منافع نخبگان ایران و روسیه در مورد روابط دو کشور هستند. بر اساس این مؤلفه‌ها می‌توان نوسان روابط تهران و مسکو را تحلیل کرد. در این نوشتار با بهره‌گیری از روش کیفی و رویکرد تحلیلی ژرف‌نگرانه و نیز استفاده از مبانی نظری فرهنگ راهبردی به دنبال پاسخ این پرسش هستیم که مؤلفه‌های فرهنگ راهبردی چه تأثیری بر روابط دوجانبه و منطقه‌ای ایران و روسیه بعد از فروپاشی اتحاد شوروی داشته‌اند؟ در پاسخ، این فرضیه مطرح می‌شود که با توجه به ملاحظه‌ها، هدف‌ها و منافع ایران و روسیه و تعریف آن‌ها، در چارچوبی متفاوت مؤلفه‌های فرهنگ راهبردی مانع از شکل‌گیری الگوی تعامل پایدار و روابط راهبردی میان دو کشور بعد از فروپاشی اتحاد شوروی شده‌اند. بر این اساس، آن‌ها یکدیگر را به‌عنوان متحدی موقت برای دستیابی به هدف‌ها و منافع و دفع تهدیدها در نظر می‌گیرند. بررسی روابط ایران و روسیه در قالب فرهنگ راهبردی امکان آسیب‌شناسی روابط، تدوین راهبرد و تنظیم سیاست همسایگی را در سیاست خارجی به‌منظور تأمین منافع ملی فراهم می‌کند.

واژگان اصلی: روابط ایران و روسیه، روابط راهبردی، فرهنگ راهبردی، ملاحظات، هدف‌ها و منافع.

مقدمه

فرهنگ راهبردی در تدوین سیاست‌ها، تنظیم برنامه‌ها، تصمیم‌های کلان و اجرای آن‌ها در حوزه‌های دفاعی، نظامی و سیاست خارجی کشورها نقش مهمی دارد. به بررسی دلایل تغییر و تداوم سیاست‌ها و مواضع دولت‌ها در چارچوب فرهنگ راهبردی تأکید شده است. از دهه ۱۹۷۰ اندیشمندان به تحلیل و ارزیابی سیاست خارجی و امنیتی قدرت‌های بزرگ در چارچوب فرهنگ راهبردی آن‌ها پرداخته‌اند. اسنادی نقش فرهنگ را در راهبرد دفاعی و رقابت‌های نظامی و هسته‌ای آمریکا و شوروی برجسته کرد. او ثابت کرد فرهنگ راهبردی کشورها متفاوت هستند و دلیل آن را باید در ایستارها، برداشت‌ها، تجربه تاریخی، فرهنگ سیاسی، ساختار تصمیم‌گیری، روابط نهادی و سیاسی متمایز دولت‌ها جست‌وجو کرد. پایان جنگ سرد، فروپاشی اتحاد شوروی و ناتوانی واقع‌گرایان در پیش‌بینی این رویداد، جهانی شدن و شکل‌گیری تهدیدهای نوین امنیتی تحولاتی هستند که اهمیت فرهنگ راهبردی را در تحلیل هدف‌ها، منافع و سیاست‌های کشورهای افزایش داده‌اند. فرهنگ راهبردی به‌عنوان عاملی مؤثر در مبانی هویتی دولت‌ها در ترسیم مرزهای خود و دیگری نقش مهمی دارد و شیوه عملکرد نخبگان را در عرصه‌های مختلف تعیین می‌کند. فرهنگ راهبردی اثبات می‌کند که دولت‌ها به‌صورت متفاوت تصمیم‌گیری و رفتار می‌کنند. رفتارها و مواضع دولت‌ها در عرصه سیاست خارجی و امنیتی منعکس‌کننده منابع مؤلفه‌های فرهنگ راهبردی هستند و شناخت آن‌ها برای فهم کنش‌ها، سیاست‌ها و مواضع متناقض دولت‌ها ضروری است. تلاش‌های جدی برای بررسی تطبیقی فرهنگ راهبردی کشورها با هدف تحلیل روابط خارجی آن‌ها انجام شده است. تمرکز این نوشتار ارزیابی روابط ایران و روسیه در چارچوب فرهنگ راهبردی آن‌هاست.

تاریخ، عوامل جغرافیایی و تحولات دوره اتحاد شوروی در شکل‌گیری فرهنگ راهبردی روسیه نقش تعیین‌کننده‌ای داشته‌اند. فرهنگ سیاسی و نظامی از عناصر پایدار فرهنگ راهبردی روسیه هستند. پادشاهان و اشراف، رهبران حزبی، رؤسای صنایع نظامی حاملان فرهنگ راهبردی این کشور محسوب می‌شوند. دهه ۱۹۷۰ چرخش‌گاهی در تحول فرهنگ راهبردی روسیه است. در این دوره، رهبران اتحاد شوروی معتقد بودند به برتری راهبردی نسبت به غرب دست یافته‌اند. پس از فروپاشی اتحاد شوروی عناصر سنتی فرهنگ راهبردی روسیه به‌ویژه نگرش تهدیدآمیز نسبت به غرب در میان نظامیان، سرویس‌های امنیتی و نخبگان ملی‌گرا تداوم یافت. علت آن نیز سیاست‌های ناتو و آمریکا در حوزه بالکان بود. در دوره پوتین منابع فرهنگ راهبردی همچون اندیشه قدرت بزرگ در اولویت قرار گرفتند. ملی‌گرایی جایگزین کمونیسم شد. ژئوپلیتیک مورد توجه ویژه روس‌ها قرار گرفت.

تاریخ و اسلام شیعی مهم‌ترین عوامل در تعیین شاخص‌های فرهنگ راهبردی ایران به شمار می‌روند. این مؤلفه‌ها با تأثیرگذاری بر نگرش نخبگان جهت‌گیری این کشور را در

عرصه سیاست خارجی و امنیتی تعیین می‌کنند. فرهنگ راهبردی ایران با توجه به منابع تشکیل‌دهنده خود همچون پیشینه تاریخی، موقعیت جغرافیایی و اسلام شیعی در چهار دهه گذشته تکامل یافته و پیچیده شده است. این منابع در شکل‌گیری و بازتولید اصول و شاخص‌های فرهنگ راهبردی ایران مؤثر هستند. ژئوپلیتیک، عمل‌گرایی، پیشینه تاریخی، بازدارندگی در مقابل تهدید غرب مؤلفه‌های مشترک در فرهنگ راهبردی ایران و روسیه هستند که باید برای تحلیل روابط دو کشور به آن‌ها توجه شود.

عوامل متعددی همچون ژئوپلیتیک، انرژی، اسلام، عامل غرب و هدف‌ها و منافع منطقه‌ای و بین‌المللی در روابط ایران و روسیه مؤثر هستند که کارشناسان از ابعاد مختلف آن‌ها را بررسی کرده و دیدگاه‌های بدبینانه و خوش‌بینانه‌ای نسبت به تداوم روابط دو کشور مطرح کرده‌اند.

هدف این نوشتار، نادیده‌گرفتن تأثیر این عوامل نیست، بلکه در قالب مؤلفه‌های فرهنگ راهبردی ایران و روسیه امکان تحلیل دقیقی از عوامل مؤثر، هدف‌ها و جهت‌گیری‌ها، دلایل و زمینه‌های نوسان روابط دو کشور و سیاست‌گذاری منسجم فراهم می‌شود. در این نوشتار به دنبال پاسخ این پرسش هستیم که مؤلفه‌های فرهنگ راهبردی چه تأثیری بر روابط دوجانبه و منطقه‌ای ایران و روسیه بعد از فروپاشی اتحاد شوروی داشته‌اند؟ در پاسخ این فرضیه مطرح می‌شود که با توجه به ملاحظه‌ها، هدف‌ها و منافع و تعریف آن‌ها در چارچوبی متفاوت، مؤلفه‌های فرهنگ راهبردی مانع از شکل‌گیری الگوی تعامل پایدار و روابط راهبردی میان ایران و روسیه بعد از فروپاشی اتحاد شوروی شده‌اند. بر این اساس، آن‌ها یکدیگر را به‌عنوان متحد موقت برای دستیابی به هدف‌ها و منافع خود می‌دانند. در این نوشتار با روش کیفی و رویکرد تحلیلی ژرف‌نگرانه مفهوم فرهنگ راهبردی را بررسی می‌کنیم. سپس با توجه به مؤلفه‌های فرهنگ راهبردی ایران و روسیه تأثیر آن‌ها بر روابط دوجانبه و منطقه‌ای دو کشور را ارزیابی می‌کنیم.

پیشینه پژوهش

منابع موجود در مورد روابط ایران و روسیه به دو دسته تقسیم پذیرند: دسته اول، منابعی که تاریخی روابط ایران و روسیه را بررسی کرده‌اند و دسته دوم، منابعی که به روابط ایران و روسیه پس از فروپاشی اتحاد شوروی از ابعاد مختلف توجه کرده‌اند. عسگریان (۲۰۱۵) در کتاب «چشم‌انداز روابط ایران و روسیه» با همکاری روس‌شناسان در قالب مجموعه مقاله‌ها، تحولات روابط دو کشور را در ابعاد دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی ارزیابی کرده است. نقش مؤلفه‌های ژئوپلیتیک و عامل غرب در این کتاب برجسته است. با تحلیل منافع و هدف‌های مشترک، متعارض و اختلاف‌زا امکان گسترش روابط تهران و مسکو به سطح راهبردی دشوار تحلیل شده است. با وجود ارائه دیدگاه‌های دقیق و جامع از ظرفیت روابط دو کشور نگرش

بدبینانه نسبت به روسیه در این کتاب غالب است. اگرینبرگ (۲۰۱۵) در مقاله «ایران و روسیه: شباهت‌ها و برداشت‌ها برای تصمیم‌سازی» در قالب شباهت‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی روابط دو کشور را بررسی کرده است. او به اظهارنظرهای مقام‌های ایران و روسیه نیز توجه کرده است. همچنین او به بی‌اعتمادی نخبگان ایرانی اشاره کرده و معتقد است آن‌ها ایجاد اتحاد راهبردی میان ایران و روسیه را غیرممکن می‌دانند. از دیدگاه گرینبرگ، توافق‌های بین دو کشور بر روی کاغذ است و با وجود امکان دستیابی به منافع اقتصادی از همکاری دوجانبه سطح مبادلات بسیار پایین است. چگونگی تأثیر شباهت‌ها بر روابط و فرایند تصمیم‌گیری مقام‌های ایران و روسیه مشخص نشده است.

کاتز (۲۰۱۱) در مقاله «روسیه و رژیم‌های ضدغربی در خاورمیانه» دلیل پایین بودن سطح روابط اقتصادی ایران و روسیه را در اولویت‌نداشتن منطقه خاورمیانه نسبت به اروپا و شرق آسیا برای روس‌ها ارزیابی کرده است. هرچند بازار تسلیحات و انرژی این منطقه استثنا محسوب می‌شوند. از دیدگاه او، مسکو از ایران به دلیل مواضع ضدغربی آن و برای منافع اقتصادی خود بهره‌برداری کرده است. در این مقاله بر رویکرد منفعت‌طلبانه روسیه نسبت به ایران تأکید شده است. بحران سوریه به‌عنوان مهم‌ترین موضوع در روابط منطقه‌ای ایران و روسیه از سوی کوژائف (۲۰۱۷) در مقاله «روابط ایران و روسیه در منشور بحران سوریه» بررسی شده است. توجه نویسنده به واکنش رسانه‌ها و مطبوعات ایران در زمینه همکاری تهران و مسکو در جنگ سوریه از ویژگی‌های این مقاله است و نگرانی نخبگان ایرانی از احتمال تصاحب دستاوردهای ایران در سوریه در آن منعکس شده است. او روابط تهران و مسکو را راهبردی ارزیابی نمی‌کند، زیرا آن را خلاف منافع ملی روسیه در حوزه خلیج فارس و کشورهای مسلمان سنی مذهب می‌داند. رویکرد کوژائف به مواضع روسیه در بحران سوریه و شیوه تعامل با ایران جانب‌دارانه است.

پالراج (۲۰۱۶) در مقاله «برنامه جامع اقدام مشترک و ابعاد روابط ایران و روسیه» با طرح چند پرسش روند مذاکرات هسته‌ای و توافق برجام را به‌عنوان جدیدترین موضوع در روابط دو کشور تشریح می‌کند. نقش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در روابط تهران و مسکو در این مقاله برجسته است. از دیدگاه او برجام بیشترین سود را برای ایران داشته و زمینه رقابت این کشور را با روسیه در حوزه انرژی فراهم کرده است. او به این نکته نیز اشاره می‌کند که ایران ابزاری برای دستیابی مسکو به منافع و هدف‌هایش است. خلیپکوف و لوتکوا (۲۰۱۰) در مقاله «نیروگاه اتمی بوشهر» دلایل تأخیر در تکمیل این نیروگاه از دیدگاه روسی را تشریح می‌کنند و می‌کشند به انتقادهای ایران نسبت به آن پاسخ دهند. آن‌ها به عواملی همچون مشکلات فنی، تحولات سیاسی، بحران‌های اقتصادی، تحریم‌ها و تخصص‌نداشتن پیمانکاران ایرانی اشاره کرده‌اند. تردید نسبت به هدف‌های ایران در تداوم فعالیت‌های هسته‌ای در این مقاله آمده است.

آن‌ها با تأکید بر لزوم شفافیت و همکاری ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از رویکرد دوگانه مسکو در همکاری هسته‌ای با تهران حمایت کرده‌اند.

با وجود تعدد منابع که به برخی از آن‌ها اشاره شد، روابط ایران و روسیه در چارچوب فرهنگ راهبردی بررسی نشده است. تمرکز کارشناسان به تحلیل روند و تحولات روابط دو کشور بوده است. بدبینی تاریخی در میان آن‌ها غالب است و این دیدگاه وجود دارد که روسیه از کارت ایران در تعامل با غرب استفاده می‌کند. بررسی روابط ایران و روسیه بر مبنای فرهنگ راهبردی که موضوع این نوشتار است، امکان آسیب‌شناسی دقیق روابط، ریشه‌یابی دلایل رویکرد مبهم روس‌ها و ارائه راهکار برای تأمین منافع ملی در قالب راهبردهای کوتاه‌مدت و بلندمدت را فراهم می‌کند.

مبانی نظری فرهنگ راهبردی

از دهه ۱۹۷۰ به فرهنگ راهبردی برای بررسی جهت‌گیری‌ها، دلایل تغییر و تداوم سیاست‌ها و مواضع دولت‌ها در حوزه سیاست خارجی و امنیتی توجه شده است، ولی این مفهوم مقوله جدیدی نیست. مفهوم فرهنگ راهبردی برای نخستین‌بار از سوی توسلید مطرح شد. تلاش‌های کلازویتس در قرن نوزدهم چرخش‌گاهی برای بررسی فرهنگ راهبردی است. کلازویتس معتقد بود سیاست خارجی و راهبردهای دفاعی کشورها را باید در بستر مؤلفه‌ها و ویژگی‌های فرهنگی آن‌ها جست‌وجو کرد. او ایده فرهنگ راهبردی را با تأکید بر جنگ و شیوه‌های تهاجم گسترش داد (Valizadeh and Others, 2015). در این دوره، فرهنگ راهبردی با تلاش اسنایدر در حوزه مطالعات امنیتی و دفاعی مطرح شد و آئین‌های نظامی و هسته‌ای آمریکا و شوروی و سیاست دو کشور در زمینه سلاح‌های کشتار جمعی مورد توجه قرار گرفت. اسنایدر بر نقش نخبگان در شکل‌گیری فرهنگ سیاسی خاصی تأکید کرد که به امور نظامی امنیتی مربوط است (Snyder, 1977: 8).

از دهه ۱۹۸۰ صاحب‌نظران به فرهنگ راهبردی به‌عنوان ابزار هژمونی سیاسی در حوزه تصمیم‌گیری توجه کرده‌اند. آن‌ها تلاش کرده‌اند دلایل اختلاف میان مواضع اعلامی و به‌کارگرفته‌شده رهبران را در قالب فرهنگ راهبردی ارزیابی کنند. از دهه ۱۹۹۰ فرهنگ راهبردی از سوی صاحب‌نظرانی همچون جانستون برای تحلیل رفتار راهبردی دولت‌ها مورد استفاده قرار گرفت (Abdullahkhani, 2007: 131-132). پایان جنگ سرد، فروپاشی اتحاد شوروی و ناتوانی نظریه واقع‌گرایی در تحلیل و پیش‌بینی این رویداد، و رویدادهای جدید همچون هند و چین به عرصه رقابت‌های جهانی و شکل‌گیری دولت‌های جدید پس از فروپاشی اتحاد شوروی تحولاتی بودند که موجب تقویت نظریه‌های فرهنگی و مطالعات راهبردی شدند. تحولات روشی و نظری در حوزه روابط بین‌الملل و تحلیل رویدادها در قالب نظریه سازه‌نگاری را نباید نادیده گرفت.

در مورد تعریف فرهنگ راهبردی اجماع نظری میان کارشناسان وجود ندارد. لانگهرست معتقد است فرهنگ راهبردی چارچوب منحصربه‌فردی از دیدگاه‌ها، ایستارها و کارکردها در مورد استفاده از زور است که در فرایندی تاریخی و به‌تدریج ایجاد می‌شود (Longhurst, 2002: 25). از دیدگاه جانستون فرهنگ راهبردی نظام منسجمی از نمادها است که اولویت‌های راهبردی و بلندمدت میان دولت‌ها را با تنظیم مفاهیم، نقش‌ها و اثربخشی نیروهای نظامی در امور سیاسی تعیین می‌کند. همچنین فرهنگ راهبردی، محیط اجتماعی معنایی است که گزینه‌های رفتاری را محدود و پیش‌بینی‌پذیر می‌کند (Johnston, 1995: 46). برگر فرهنگ سیاسی را با فرهنگ راهبردی ترکیب کرده و مفهوم فرهنگ سیاسی‌راهبردی را ارائه کرده است. او فرهنگ سیاسی‌راهبردی را مجموعه‌ای از ارزش‌ها و باورهای فرهنگی می‌داند که دیدگاه اعضای جامعه را در مورد امنیت ملی، نظامیان و کاربرد زور در روابط بین‌الملل شکل می‌دهد (Berger, 1990: 121).

عوامل متعددی در شکل‌گیری فرهنگ راهبردی کشورها مؤثر هستند که از سوی صاحب‌نظران دسته‌بندی و ارزیابی شده‌اند. برای نمونه، دین و مذهب، پیشینه تاریخی، سنت‌های سیاسی، نظام ارزشی، موقعیت جغرافیایی، منابع اقتصادی و فناوری مؤلفه‌هایی هستند که از سوی اسمیت مطرح شده‌اند (Smith, 2008: 4). پیشینه تاریخی، ویژگی‌های فرهنگی و موقعیت جغرافیایی منابع مشترک تشکیل‌دهنده فرهنگ راهبردی هستند. جایگاه و اهمیت منابع فرهنگ راهبردی در همه کشورها یکسان نیست. برای نمونه، فناوری در فرهنگ راهبردی آمریکا جایگاه ویژه‌ای دارد و در آئین‌های نظامی و دفاعی این کشور نیز بر آن تأکید شده است (Torabi and Rezaee, 2011: 142). فرهنگ راهبردی متأثر از فرهنگ سیاسی کشورها است، ولی نخبگان در حفظ و جهت‌دهی به آن نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. آن‌ها حاملان فرهنگ راهبردی توصیف می‌شوند. فرهنگ راهبردی بازتاب‌دهنده بنیان‌ها و ارزش‌های فرهنگی رهبران سیاسی است که مسئول تدوین و اجرای سیاست خارجی هستند. نخبگان به حفظ وضع موجود تمایل دارند و محدودیت‌های احتمالی در گفتمان‌های سیاست خارجی و امنیت ملی را در رویارویی با چالش‌های جدید بازتعریف می‌کنند و بر استمرار دیدگاه‌هایی همچون رسالت تاریخی تأکید دارند. بنابراین، فرهنگ راهبردی باید از فیلتر اولویت‌های نخبگان عبور کند تا به رفتار راهبردی هدفمند تبدیل شود (Abdullahkhani, 2007: 99-112). در مورد کارویژه فرهنگ راهبردی تحلیل‌های مختلفی از سوی صاحب‌نظران مطرح شده، ولی کن بوث در این مورد ارزیابی دقیق و جامعی ارائه کرده است. از دیدگاه او تاریخ در فرهنگ راهبردی جایگاه ویژه‌ای دارد و مبنای شناخت هدف‌ها، تصورها و الگوهای رفتاری دولت‌ها خواهد بود. فرهنگ راهبردی اثبات می‌کند که ساختارها و فرایندهای تصمیم‌گیری و نهادهای نظامی در چارچوب فرهنگ سیاسی خاصی شکل گرفته‌اند و اقدام می‌کنند.

شناخت فرهنگ راهبردی مرحله‌ای بنیادین برای ارزیابی دشمن، دوست و رقیب است و موجب پیش‌بینی مواضع دولت‌ها خواهد شد. فرهنگ راهبردی تأثیر قوم‌گرایی را کاهش می‌دهد و مانع ایجاد سوءبرداشت یک دولت از هدف‌ها و اقدام‌های دولت‌های دیگر می‌شود (Booth, 2005: 26-27). شناخت فرهنگ راهبردی کشورها در تحلیل و ارزیابی آنچه در ظاهر رفتار و مواضع متناقض به نظر می‌رسد، کارایی دارد.

مؤلفه‌های فرهنگ راهبردی ایران و روسیه

الف) مؤلفه‌های فرهنگ راهبردی ایران

فرهنگ راهبردی ایران با تأثیرگذاری بر جهت‌گیری سیاست خارجی، نقش و رسالت جمهوری اسلامی را در عرصه منطقه‌ای و جهانی تعیین می‌کند. بدون توجه به منابع فرهنگ راهبردی ایران نمی‌توان به شناخت دقیقی از آئین‌های نظامی امنیتی و سیاست خارجی آن دست یافت.

اسلام شیعی مهم‌ترین منبع فرهنگ راهبردی و مبنای هویت ملی ایران محسوب می‌شود و در قانون اساسی نیز آمده است. این مؤلفه، تعریف روشنی از کشورهای دوست، دشمن، رقیب و متحد ارائه می‌کند و در جهان‌بینی نخبگان تصمیم‌ساز نقش برجسته‌ای دارد. اسلام شیعی موجب شده است ایرانیان برای خود رسالتی معنوی تعریف کنند (Valizadeh and Others, 2015: 158). تحولات و جنبش‌های سیاسی اجتماعی در تاریخ ایران و تقابل این کشور با غرب نیز بر مبنای اسلام شکل گرفته است. اسلام شیعی ضرورت مقابله با تهدیدها و مداخله‌های خارجی و زمینه ایجاد گفتمان‌های استقلال‌طلبانه را فراهم کرده است که نمونه بارز آن در شکل‌گیری محور مقاومت و حضور مؤثر ایران در منطقه غرب آسیا دیده می‌شود (Nazari and Sazmand, 2008: 98-103).

پیشینه تاریخی انعکاسی از پیشرفت‌های فرهنگی و تمدنی، جنگ‌ها، بحران‌ها و تهدیدها به شمار می‌رود که نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری فرهنگ راهبردی ایران داشته است. پیشینه تمدنی این تصور را در میان نخبگان و عموم مردم ایجاد کرد که ایران در کانون محاسبه‌های راهبردی جهان قرار دارد. این ذهنیت تاریخی با احساس خودبزرگ‌بینی و برتری فرهنگی آمیخته شده است. براین‌د برداشت از محوریت ایران در نظام بین‌الملل و هویت ملی متمایز جهت‌گیری استقلال‌طلبی را در روابط بین‌الملل ایجاد کرده است. همچنین مداخله قدرت‌های استعماری تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر راهبردهای ایران داشته و موجب جهت‌گیری بیگانه‌ستیزی و تقابل با روابط ناعادلانه قدرت‌های بزرگ در سیاست خارجی شده است (Dehghani Firouzabadi, 2009: 92-95).

موقعیت ژئوپلیتیکی یکی از منابع فرهنگ راهبردی ایران است. بخش مهمی از تجربه تاریخی ایران در مورد هجوم اقوام و مداخله‌های خارجی به موقعیت ژئوپلیتیکی این کشور ارتباط دارد. مبنای این مداخله‌ها در نظریه‌های ماهان، مکیندر و اسپایکمن انعکاس

یافته است (Nami and Ezzati, 2013: 177, 182-186). منابع اقتصادی از عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری فرهنگ راهبردی ایران است. انرژی بیشترین سهم را در اقتصاد ایران به خود اختصاص داده و نقش برجسته‌ای در تنظیم برنامه‌های کلان نظامی دفاعی و تعیین الگوی روابط خارجی کشور داشته است. نیاز ایران به بازارهای جهانی برای صادرات، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، تثبیت قیمت‌ها و تأمین امنیت انرژی موجب کاربست رویکرد مسالمت‌آمیز و گسترش روابط با کشورها و نهادهای بین‌المللی شده است. در سال‌های اخیر انرژی هسته‌ای به یکی از عوامل اختلاف‌زا در روابط ایران با روسیه و غرب تبدیل شده است (Dehghani Firouzabadi, 2009: 109-110).

رویکرد تهدیدمحور در فرهنگ راهبردی ایران متأثر از دو مؤلفه نظام بین‌الملل و محیط منطقه‌ای است که با پیشینه تاریخی این کشور پیوند نزدیکی دارد. این دیدگاه در میان کارشناسان غالب است که از زمان تشکیل نظام جمهوری اسلامی روابط با همسایگان و قدرت‌های جهانی بدون رقابت و تهدید نبوده است و خطر استکبار جهانی منافع راهبردی ایران را تهدید می‌کند. برنامه هسته‌ای و اتهام حمایت از تروریسم تنش‌ها در روابط ایران و غرب را تشدید کرده است. (Masoudi, 2018: 117-118). محرک و ریشه اصلی فرهنگ راهبردی ایران بدبینی و سوءظن به بیگانگان است که چارچوب روابط خارجی این کشور را تعیین کرده و با مفاهیمی همچون نه شرقی - نه غربی و استکبارستیزی ارتباط دارد. مداخله مستقیم و غیرمستقیم بیگانگان در امور ایران موجب شده است بیگانه‌ستیزی و ذهنیت توطئه به نگرشی غالب در فرهنگ سیاسی این کشور تبدیل شود. در حال حاضر بیگانه‌ستیزی بر ضد غرب و آمریکا جهت‌دهی شده است. شعار مرگ بر آمریکا انعکاس بدبینی جامعه ایرانی نسبت به غرب محسوب می‌شود. جنگ هشت ساله ایران با عراق این بدبینی را تشدید کرد. بی‌اعتمادی به بیگانگان در ایجاد شرایط سخت برای سرمایه‌گذاری و ورود شرکت‌های خارجی، تعریف کشورهای متحد، رقیب و دشمن و تأکید بر خودکفایی در چارچوب فرهنگ راهبردی ایران نقش مهمی داشته است. کارشناسان غربی تلاش ایران در به‌دست‌آوردن دانش و توانمندی هسته‌ای و فناوری نظامی را نتیجه بی‌اعتمادی و نداشتن متحد همیشگی می‌دانند (Asgari, 2018: 108).

مقاومت و پایداری مهم‌ترین مؤلفه قدرت نرم در فرهنگ راهبردی ایران محسوب می‌شود که نقش مهمی در ایجاد بازدارندگی دارد. در گفتمان مقاومت، جغرافیا در درجه دوم اهمیت قرار می‌گیرد و پایداری و سازش‌نکردن با نظام سلطه در سراسر جهان بدون توجه به مرزها ارزش یکسانی دارد (Kadkhodae and Asgari Hassen, 2019: 57). تقابل با سلطه آمریکا و اسرائیل بر جهان اسلام و منطقه خاورمیانه و حمایت از آرمان فلسطین نیز در کانون گفتمان مقاومت قرار دارد. ابهام راهبردی یکی از مهم‌ترین شاخص‌های فرهنگ راهبردی ایران

است و کاربرد آن در حوزه‌های اطلاعاتی امنیتی، آئین‌های دفاعی و خریدهای تسلیحاتی دیده می‌شود. از دیدگاه کارشناسان ابهام ترفندی برای ایجاد تردید در دشمنان جمهوری اسلامی است. بر این اساس، به حفظ اطلاعات امنیتی و دفاعی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های فرهنگ راهبردی در سطوح خرد به‌ویژه در میان نیروهای مسلح تأکید شده است (Asgari, 2018: 115). پذیرش قطعنامه ۵۹۸، میانه‌روی در اصل صدور انقلاب اسلامی، سیاست تنش‌زدایی در سال‌های پس از جنگ تحمیلی، همکاری‌های فنی و نظامی با کره شمالی و روسیه، مذاکره با آمریکا در مورد عراق و افغانستان و آزادی گروگان‌های آمریکایی در لبنان نمونه‌هایی از کاربرد اصل عمل‌گرایی به‌عنوان مهم‌ترین شاخص در فرهنگ راهبردی ایران در عرصه سیاسی و امنیتی بوده است (Torabi and Rezaee, 2011: 155-156).

بازدارندگی بعد عملیاتی فرهنگ راهبردی ایران به شمار می‌رود و مبنای بخش مهمی از برنامه‌های کلان دفاعی و نظامی محسوب می‌شود. در سند چشم‌انداز بیست‌ساله و برنامه ششم توسعه نیز به موضوع بازدارندگی توجه ویژه‌ای شده است. جنگ نامتقارن، امنیت به‌هم پیوسته، دفاع همه‌جانبه، توانمندی موشکی، عملیات استشهادی و نیروهای نیابتی مفاهیمی هستند که در ارتباط با بازدارندگی به‌کار برده می‌شوند. افزایش سطح روابط دفاعی با دیگر کشورها در چارچوب دیپلماسی دفاعی نقش مهمی در ایجاد بازدارندگی دارد (Asgari and Minaee, 2013: 82-83). توانمندی موشکی به‌عنوان یکی از ارکان بازدارندگی جایگاه ویژه‌ای در راهبرد دفاعی ایران دارد و شرایط دستیابی به جایگاه برتر منطقه‌ای را تسهیل می‌کند. راهبرد منطقه‌ای ایران به‌منظور بازدارندگی در مقابل تهدیدها بر مبنای حلقه‌های فوری و غیرفوری امنیتی گردآوری شده است (Barzegar, 2009: 136-145). جایگاه برتر منطقه‌ای به‌عنوان یکی از ویژگی‌های فرهنگ راهبردی ایران انعکاس هویت جدید این کشور فراتر از مرزهای ملی است. پیشینه تاریخی، اسلام شیعی، ملی‌گرایی و باورهای رهبران سیاسی در شکل‌گیری آن نقش تعیین‌کننده‌ای داشته‌اند. ایران از نظر تمدن، فرهنگ، تاریخ، موقعیت جغرافیایی، جمعیت و منابع طبیعی در میان کشورهای غرب آسیا جایگاه ویژه‌ای دارد (Godarzi and Others, 2017: 137-138).

ب) مؤلفه‌های فرهنگ راهبردی روسیه

از آغاز فرایند دولت‌ملت‌سازی در قرن پانزدهم تاکنون عناصر پایدار فرهنگ راهبردی روسیه ایجاد شده‌اند. فرهنگ سیاسی و نظامی از عناصر پایدار فرهنگ راهبردی روسیه هستند. با وجود فروپاشی اتحاد شوروی عناصر سنتی فرهنگ راهبردی روسیه در میان نظامیان، سرویس‌های امنیتی و برخی نخبگان سیاسی ملی‌گرا تداوم یافته است. تهدید و تصور تهدید یکی از منابع مهم فرهنگ راهبردی روسیه است که بر نگرش نخبگان سیاسی و نظامی این کشور تأثیر تعیین‌کننده‌ای داشته است. بر این اساس، در فرهنگ سیاسی روسی دولت‌ها دشمن

یا متحد موقت روسیه به شمار می‌روند. در اسناد بالادستی این کشور نیز به تهدیدهای امنیتی داخلی و خارجی اشاره شده است. بی‌ثباتی سیاسی، نقض حاکمیت و یکپارچگی سرزمینی، بنیادگرایی اسلامی، جدایی طلبی، مهاجرت غیرقانونی، جرائم سازمان‌یافته به‌ویژه قاچاق مواد مخدر و سلاح از شاخص‌های تهدیدکننده امنیت ملی روسیه هستند. نگرانی از گسترش ناتو به شرق، استقرار سپر دفاع موشکی در اروپا، وقوع انقلاب‌های رنگی و طرح مباحث حقوق بشری از سوی غرب، تداوم نگرش تهدیدمحوری روس‌ها را اثبات می‌کند که موجب شکل‌گیری مفهوم آیین مونروئه روسی در سیاست خارجی و امنیتی این کشور شده است. گرایش روسیه به افزایش قدرت نظامی را می‌توان براین نگرش تهدیدمحور این کشور برآورد کرد. مقام‌های امنیتی این کشور بر لزوم آمادگی در مقابل تهاجم نظامی تأکید کرده‌اند (Cooper, 2016: 139-140). پوتین «برتری نظامی بدون چالش در میان همسایگان» را پیگیری می‌کند و بودجه نظامی را با اولویت ارتقای زرادخانه‌های هسته‌ای و نیروی دریایی با هدف بازدارندگی افزایش داده است (Aron, 2013).

در فرهنگ راهبردی روسیه رسالت‌گرایی و مسئولیت جهانی مفاهیمی هستند که در قالب «رهنامه راه ویژه» مطرح شده‌اند. بر اساس این رهنامه، روسیه فراتر از برقراری امنیت و تأمین رفاه داخلی مدعی ایجاد نظمی یکپارچه و منسجم برای جهان است (More Russian Favor Soviet Than Western From of Democracy, 2014). در چارچوب این نگرش غالب است که روسیه از بزرگ‌ترین قلمروی سرزمینی در میان کشورهای جهان برخوردار است و مداخله در حوزه پیرامونی را توجیه می‌کند. در حال حاضر، این کشور رسالت جهانی خود را در قالب اوراسیاگرایی تعیین کرده است (Koolae and Abedi, 2018: 20-21). رسالت‌گرایی و مسئولیت جهانی در فرهنگ راهبردی روسیه سبب شده است که این کشور تمایلی برای پیوستن به گروه‌ها و نهادهای فراملی و بین‌المللی نداشته باشد. این مولفه مانعی برای نزدیکی روسیه با غرب بوده است (Saadabadi & Dehshiri, 2019-20: 329-330).

ژئوپلیتیک در فرهنگ راهبردی روسیه جایگاه ویژه‌ای دارد. گستره سرزمینی به‌عنوان مهم‌ترین ویژگی ژئوپلیتیک روسیه با نگرانی از تهدیدها و ناامنی ارتباط دارد. از نظر تاریخی تلاش برای تأمین امنیت مرزها توسعه‌طلبی سرزمینی را در دستور کار روس‌ها قرار داد. همچنین گستره سرزمینی موجب اهمیت ساختار سیاسی اقتدارگرا در فرهنگ سیاسی روسیه شده است. حساسیت مسکو نسبت به پیامدهای گسترش ناتو به شرق و سیاست‌های اتحادیه اروپا را نیز باید در قالب ژئوپلیتیک تحلیل کرد. ژئوپلیتیک در قالب گفتمان اوراسیاگرایی به‌عنوان سیاست توازن قدرت و گسترش حوزه نفوذ پیگیری می‌شود. روس‌ها مفاهیم خارج نزدیک و خارج دور را نیز به‌عنوان حلقه‌های امنیتی متناسب با موقعیت ژئوپلیتیک خود در فرهنگ راهبردی مورد توجه قرار داده‌اند. روسیه ترتیبات سیاسی و امنیتی جدیدی را برای

تثبیت نقش و جایگاه برتر خود در خارج نزدیک و حفظ ژئوپلیتیک پیشین شوروی ایجاد کرد که در این زمینه می‌توان به سازمان پیمان امنیت دسته جمعی و اتحادیه اقتصادی اوراسیایی اشاره کرد (Hedayati Shahidani and Rezapoor, 2017: 128-156).

ملی‌گرایی مهم‌ترین منبع فرهنگ راهبردی روسیه است که در حوزه‌های سیاسی امنیتی و به‌ویژه در حلقه‌های فوری امنیتی این کشور نقش اساسی دارد. مبنای ملی‌گرایی روسی منفعت و امنیت روسیه به‌عنوان یک بازیگر بین‌المللی است. همچنین رسالت فراملی روسیه به‌منظور ایجاد جهانی چندقطبی، هویت ژئوپلیتیک اوراسیایی جدا و رویارویی با تهدیدهای غرب از دیگر حوزه‌های ملی‌گرایی روسی است. در شرایط کنونی، ملی‌گرایی روسی در قالب اوراسیاگرایی محرک اصلی سیاست‌های پوتین به‌شمار می‌رود. در چارچوب گفتمان ملی‌گرایی روسی به مسئله غرب و شیوه تعامل با آن نیز باید توجه شود. دو مفهوم یکپارچه‌سازی و تقابل می‌توانند سیاست‌های روسیه را نسبت به پدیده غرب تحلیل کنند (Karami and Keramati Nia, 2018: 141-157). مذهب ارتدوکس در کانون ملی‌گرایی روسی قرار دارد و هویت و فرهنگ سیاسی روسیه با آن پیوند خورده است. آموزه‌های مسیحیت ارتدوکس سیاست روسیه را در مورد بحران‌های اوراسیای مرکزی به‌ویژه اوکراین هدایت می‌کند.

راهبرد قدرت بزرگ در نظام جهانی یکی از مؤلفه‌های فرهنگ راهبردی روسیه است. این مؤلفه نشان‌دهنده نگرش واقع‌گرایانه مسکو به سیاست خارجی و نظام بین‌الملل است که از سیطره هویت ژئوپلیتیکی بر سیاست‌های این کشور ناشی می‌شود. در اسناد بالادستی روسیه بر راهبرد قدرت بزرگ تأکید شده است و نقطه اشتراک جریان‌های اجتماعی و سیاسی این کشور محسوب می‌شود. مذاکره و اشنیگتن با مسکو در موضوع‌هایی همچون برنامه هسته‌ای ایران، افغانستان و سپر دفاع موشکی در اروپای شرقی، نشانه‌ای از پذیرش قدرت بزرگی روسیه از سوی آمریکا تحلیل شده است (Noori, 2011: 141-157). بررسی تحولات دوره پوتین نشان‌دهنده تعهد او به راهبرد «قدرت بزرگ هنجارمند» به‌عنوان سازوکار ایجاد ائتلاف‌های انعطاف‌پذیر برای تبدیل روسیه به قطب مستقل قدرت در عرصه بین‌الملل است (Saivetz, 2012: 375).

چندجانبه‌گرایی، تعامل‌گرایی، سیاست خارجی اقتصادمحور و تعهدها و مشارکت بین‌المللی در قالب عمل‌گرایی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های فرهنگ راهبردی روسیه مطرح می‌شوند. با بررسی رویکرد عمل‌گرایانه مسکو در تعامل با دولت‌ها می‌توان دلیل موضع‌گیری متناقض و دوگانگی سیاست‌های این کشور را تحلیل کرد. روس‌ها تأکید می‌کنند که روسیه از منابع کافی و اهرم‌های نفوذ برخوردار نیست و باید با انعطاف و هوشمندی در موقعیت‌های مختلف از فرصت‌های موجود بهره‌برداری کند. روسیه به روابط با غرب، شرق و جنوب،

هم‌زمان و در چارچوب عمل‌گرایی توجه کرده است. بر این اساس، روابط خارجی روسیه در وضعیت هم‌سویی، تضاد و تقابل قرار می‌گیرد (Koolaee and Noori, 2010: 216-226).

مؤلفه‌های فرهنگ راهبردی و تحلیل روابط دوجانبه ایران و روسیه

مؤلفه‌های فرهنگ راهبردی مبنای هدف‌ها، منافع و ملاحظه‌های نخبگان ایران و روسیه در مورد روابط دو کشور هستند. بر اساس این مؤلفه‌ها می‌توان فرازونشیب روابط تهران و مسکو را تحلیل کرد. ژئوپلیتیک، عمل‌گرایی و بازدارندگی در مقابل تهدید غرب مبنای روابط ایران و روسیه هستند.

فروپاشی اتحاد شوروی، چالش‌های داخلی و بین‌المللی، تغییر گفتمان‌ها و جناح‌بندی‌های سیاسی تأثیری بر راهبرد روسیه نسبت به جایگاه ژئوپلیتیکی ایران نداشته است. ایران به‌عنوان کانون حوزه‌های ژئوپلیتیکی خزر-خلیج فارس و دروازه ورود به خاورمیانه مورد توجه روس‌ها است. همچنین ایران به‌عنوان متحدی غیررسمی می‌تواند منافع روسیه را بدون هیچ هزینه انسانی و مالی تأمین کند و از مرزهای جنوبی آن در مقابل نفوذ غرب محافظت کند (Asisian, 2013: 8-10). در این چارچوب روسیه «مفهوم امنیت جمعی در خلیج فارس» را در ژوئیه ۲۰۱۹ مطرح کرد که نشان‌دهنده تلاش این کشور برای نقش‌آفرینی در این منطقه راهبردی است. برخی کارشناسان طرح ابتکاری روسیه را به تمایل تاریخی این کشور برای دستیابی به آب‌های گرم جنوب پیوند داده‌اند و به نقش ایران در این زمینه اشاره می‌کنند (Hunter, 2019). همکاری با روسیه فرصت‌های مطلوبی را در اوراسیا در میان‌مدت و بلندمدت برای ایران فراهم می‌کند. برای نمونه می‌توان به عضویت ایران در اتحادیه اقتصادی اوراسیایی و توسعه راهگذر شمال-جنوب اشاره کرد.

در حوزه اقتصادی ظرفیت‌های مناسبی برای همکاری میان ایران و روسیه وجود دارد؛ به‌ویژه اینکه روس‌ها قابلیت‌های صنعتی و علمی قابل توجهی دارند و همکاری اقتصادی با روسیه می‌تواند تحریم‌های غرب را خنثی کند. هرچند میزان روابط تجاری ایران و روسیه رضایت‌بخش نیست. از دیدگاه کارشناسان روس سطح پایین روابط اقتصادی با ایران را می‌توان بر مبنای این واقعیت تحلیل کرد که خاورمیانه در مقایسه با دیگر مناطق در اولویت سیاست اقتصادی روسیه قرار ندارد. مسکو ایران را بازار مهم کالاهای روسی و سرمایه‌گذاری در خاورمیانه ارزیابی نمی‌کند. شرکت‌های روسی بر بازارهای اروپا و شرق آسیا تمرکز کرده‌اند. با توجه به اینکه کشورهای متحد غرب در خاورمیانه روابط تجاری گسترده‌ای با شرکت‌های آمریکایی، اروپایی و ژاپنی دارند، روسیه از دولت‌های ضدغربی در این منطقه در راستای منافع اقتصادی خود بهره‌برداری و زمینه حضور و سرمایه‌گذاری شرکت‌های روسی را فراهم کرده است (Katz, 2011: 102-103). رقابت ایران و روسیه در حوزه انرژی

انکارناپذیر است. راهبرد روسیه در حوزه انرژی توسعه طلبانه و تهاجمی است. محدودیت نفوذ در این حوزه برای روس‌ها پذیرفتنی نیست. هدف روسیه تأمین منابع انرژی بازار اروپا و افزایش صادرات به شرق آسیا است. کارشناسان اوپک گازی را کارت‌تل راهبردی برای روسیه به‌منظور بازدارندگی در مقابل غرب توصیف کرده‌اند. مسکو در چارچوب راهبرد ابرقدرت انرژی خود تقویت آن را در دستور کار قرار داده است تا طرح‌های گازی و خطوط لوله در اوراسیا را کنترل کند و مانع حضور ایران در این منطقه شود (Cohen, 2010: 8). در اسناد بالادستی روسیه بر گسترش روابط با تولیدکنندگان انرژی با هدف تقویت اقتصاد ملی تأکید شده است. در این اسناد ایران برای روسیه همکاری مهم به‌شمار می‌رود (Rasooli Saniabadi & Ebrahimi, 2020-21: 483).

رویکرد تهدیدمحور نسبت به محیط منطقه‌ای و بین‌المللی ایران و روسیه را به‌گسترش قدرت نظامی و بازدارندگی پیش برده است. همکاری نظامی و خریدهای تسلیحاتی بخش مهمی از روابط دو کشور را تشکیل می‌دهند. ایران بازار پرسودی برای تسلیحات و فناوری مجتمع‌های صنعتی نظامی روسیه است. سرویس امنیت فدرال روسیه روند انتقال فناوری تسلیحاتی و موشکی به ایران را تسهیل می‌کند (Eisenstadt, 2001: 8). روسیه در چارچوب راهبرد قدرت بزرگ در نظام بین‌الملل همکاری نظامی با ایران را با هدف ایجاد ائتلاف در اوراسیا و خاورمیانه برای افزایش نفوذ سیاسی و ژئوپلیتیکی و مهار غرب گسترش داده است. هرچند روابط نظامی ایران با روسیه به‌عنوان اتحاد نظامی محسوب نمی‌شود. خودکفایی در تولید تسلیحات و فناوری‌های پیشرفته نظامی در دستورکار ایران قرار دارد و دیپلماسی دفاعی این کشور با هدف تأثیرگذاری بر توازن قدرت منطقه‌ای و مهار تهدیدهای آمریکا و اسرائیل گردآوری شده است. برخلاف راهبرد نظامی روسیه که ماهیت تهاجمی دارد، راهبرد نظامی ایران تدافعی است.

در عرصه بین‌الملل، ایران و روسیه بر ضرورت مقابله با نظام تک‌قطبی، یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و تحریم‌های حقوق بشری تأکید می‌کنند. چندجانبه‌گرایی و احترام به حاکمیت کشورها رویکرد مشترک دو کشور نسبت به نظام بین‌الملل است. روسیه به‌عنوان یک قدرت بزرگ جهانی و عضو شورای امنیت جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی ایران دارد. روسیه همکاری با ایران را برای افزایش نفوذ سیاسی در معادلات بین‌المللی در اولویت قرار داده است. با این حال، مسکو خود را سهامدار نظام بین‌المللی می‌داند و پدیدآمدن یک مدعی قدرت برای آن مطلوب نیست. برخلاف ایران که در چارچوب اسناد بالادستی خود بر ضرورت اصلاح ساختار سازمان ملل تأکید می‌کند، روسیه این نهاد را با وجود کاستی و ناکارآمدی برای حضور مؤثر در مدیریت و حل و فصل بحران‌های منطقه‌ای و جهانی در قالب

راهبرد قدرت بزرگ خود مورد توجه قرار داده است. مشارکت در مذاکره هسته‌ای ایران و تصویب قطعنامه‌های شورای امنیت بر ضد این کشور را باید در این چارچوب تحلیل کرد. ادعای غرب در شفاف نبودن برنامه هسته‌ای ایران را باید در چارچوب اصل ابهام راهبردی تحلیل کرد. برای ایران نقش روسیه در تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر، عضویت در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شورای امنیت تعیین‌کننده است. در مقابل، روسیه برنامه هسته‌ای ایران را تهدید امنیتی برای خود می‌داند و معتقد است دستیابی به بمب اتم هدف این کشور به شمار می‌رود. روس‌ها استدلال می‌کنند که علت اصلی مشارکت روسیه در تحریم ایران و تصویب قطعنامه‌های شورای امنیت نگرانی از شکل‌گیری دولتی با سلاح‌های اتمی در مجاورت مرزهای خود و تغییر توازن قدرت در اوراسیای مرکزی است. کارشناسان غربی به این نکته اشاره کرده‌اند که شکست فرایند مذاکره هسته‌ای، روسیه را از فرصت استثنایی برای نقش‌آفرینی به‌عنوان قدرت جهانی محروم می‌کند. به همین دلیل، روسیه بر لزوم تداوم مذاکره و حل‌وفصل بحران هسته‌ای در چارچوب شورای امنیت تأکید دارد (Maloney, 2014). با توافق برجام امکان دستیابی تهران به توانمندی تولید سلاح‌های هسته‌ای وجود ندارد و امنیت روسیه تضمین خواهد شد. به علاوه، برجام در ترسیم تصویری مطلوب از روسیه به‌عنوان میانجی صلح در عرصه بین‌المللی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.

غرب تهدید امنیتی مشترک ایران و روسیه است، ولی دو کشور با توجه به هدف‌ها و منافع خود رویکرد متفاوتی نسبت به آن دارند. ایران غرب را تهدید وجودی خود می‌داند که سازش با آن امکان‌پذیر نیست و در چارچوب راهبرد نگاه به شرق ترجیح می‌دهد با کشورهای همکاری داشته باشد که به دنبال تغییر نظام سیاسی آن نباشند. بر این اساس به روابط با کشورهای هم‌چون روسیه توجه شده است. بدینی نسبت به فرهنگ و سیاست غرب ویژگی ملی‌گرایی روسی است. روسیه رهبری تمدن اسلاو- ارتدوکس را در برابر تمدن مسیحی غرب به عهده دارد و منطقه‌گرایی، ایجاد اتحادیه‌های اقتصادی و روابط درون منطقه‌ای مبنای سیاست این کشور برای مقابله با تهدید غرب است. شایان توجه اینکه مسکو در چارچوب عمل‌گرایی، همگرایی در ساختارهای بین‌المللی و گسترش روابط راهبردی با آمریکا را با هدف توسعه اقتصادی و نوسازی داخلی مورد توجه قرار داده است و از ایران به‌عنوان کارت چانه‌زنی با غرب استفاده می‌کند. شیوه تعامل روسیه با غرب موجب پیش‌بینی‌ناپذیری سیاست این کشور برای ایران شده است. از دیدگاه کارشناسان سیاست روسیه آمریکا محور است و از تحریم ایران از سوی واشینگتن حمایت کرده است (Nixey, 2010: 8)، ولی نگرانی از نفوذ غرب در حوزه خارج نزدیک موجب همکاری منطقه‌ای روسیه با ایران شده است.

پیشینه تاریخی و تجربه تجاوز خارجی موجب بی‌اعتمادی ایران و روسیه در روابط خارجی شده است. ناامنی تاریخی و تلاش برای تأمین امنیت ملی موجب گرایش روسیه به

توسعه‌طلبی سرزمینی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های ملی‌گرایی روسی و غلبه رویکرد تهاجمی در راهبردهای نظامی امنیتی این کشور شده است. تقابل روسیه با غرب در مورد اوکراین در این چارچوب تحلیل پذیر است. تجربه دخالت قدرت‌های استعماری در ایران نیز موجب شد اصل نه شرقی - نه غربی به‌عنوان اصلی ثابت در جهت‌گیری سیاست خارجی این کشور مورد توجه قرار گیرد و بر ضرورت خودکفایی و توانمندی داخلی تأکید شود. نکته مهم این است که پیشینه تاریخی به‌عنوان بازدارنده در روابط دوجانبه ایران و روسیه تبدیل شده است. بدینی تاریخی ایران نسبت به توسعه‌طلبی روسیه که تحمیل قرارداد ترکمنچای نمونه بارز آن است، امروزه در قالب بی‌اعتمادی نسبت به سیاست‌های این کشور بازتولید شده است. در روبه‌رو، روس‌ها با اشاره به کشته‌شدن گریبایدوف و غرب‌گرایی ایرانیان به رسالت جهانی خود برای هدایت کشورهای ضعیف و عقب‌مانده همچون ایران به سوی تمدن و پیشرفت تأکید داشته‌اند.

مؤلفه‌های فرهنگ راهبردی و تحلیل روابط منطقه‌ای ایران و روسیه

تهدیدهای امنیتی مانند تنش‌های قومی، انقلاب‌های رنگی، تروریسم و گسترش ناتو به شرق مبنای همکاری مشترک منطقه‌ای ایران و روسیه به‌شمار می‌روند. دو کشور بر رسالت و نقش محوری خود در بحران‌های منطقه‌ای تأکید دارند. راهبرد منطقه‌ای ایران ماهیت تدافعی و عمل‌گرایانه دارد و بر مبنای دفع تهدیدهای امنیتی غرب به‌ویژه آمریکا گردآوری شده است. اوراسیای مرکزی و خاورمیانه، حلقه فوری امنیتی و عمق راهبردی ایران هستند و ضرورت برقراری امنیت در این مناطق موجب گسترش روابط این کشور با روسیه شده است. مواضع ایران نسبت به جنگ چین در دهه ۱۹۹۰ سیاست عمل‌گرایانه این کشور را در روابط با روسیه اثبات می‌کند. راهبرد منطقه‌ای مسکو در چارچوب سیاست قدرت بزرگ جهانی، ژئوپلیتیک و ملی‌گرایی تحلیل پذیر است. در این چارچوب ایران به‌عنوان قدرت منطقه‌ای جایگاه ویژه‌ای دارد. ترین می‌گوید: «ایران حوزه نفوذ روسیه و بریتانیا در قرن نوزدهم نیست. این کشور پیرو سیاست‌های آمریکا در منطقه و جهان به‌شمار نمی‌رود. هم‌اکنون ایران قدرتی منطقه‌ای است و نفوذ آن از مدیترانه در غرب تا افغانستان در شرق، از قفقاز در شمال تا سواحل عدن در جنوب گسترده است. ایران همچون روسیه هژمونی آمریکا را در نظام جهانی و منطقه‌ای به چالش کشیده است» (Trenin, 2016).

پوتین در چارچوب راهبرد قدرت بزرگ جهانی و بر اساس ملاحظه‌های اقتصادی و امنیتی همکاری با ایران را برای مقابله با سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه تعیین‌کننده ارزیابی می‌کند. سیاست روسیه در این منطقه راهبردی تداوم سیاست‌های شوروی است. بحران اوکراین نیز شرایط مطلوبی را برای بازیابی قدرت روسیه در خاورمیانه فراهم کرده است. هرچند، این سیاست موجب ائتلاف و اتحاد راهبردی با ایران نمی‌شود؛ زیرا همکاری با اسرائیل یکی از عوامل اختلاف‌زا در روابط تهران و مسکو به‌شمار می‌رود (Ghani & Asgarian, 2021: 240).

موقعیت ژئوپلیتیکی و ناامنی تاریخی موجب شده است روسیه با هدف احیای نفوذ سنتی خود بر اوراسیای مرکزی از قدرت منطقه‌ای ایران برای حل و فصل بحران‌های منطقه‌ای بهره‌برداری کند. آسیب‌پذیری روسیه در قفقاز شمالی در گسترش همکاری با ایران مؤثر بوده است. فروش تسلیحات، امضای قرارداد ساخت راکتور و تأمین توربین نیروگاه بوشهر به‌عنوان پاداش روسیه به ایران برای مواضع این کشور در قضیه چچن تحلیل شده است (Shaffer, 2001: 42-45). اگرچه ایران کشوری در دسرساز در حوزه خزر محسوب نمی‌شود، اولویت روابط با خارج نزدیک موجب شده است روسیه با قزاقستان و جمهوری آذربایجان قرارداد تقسیم دریای خزر را امضا کند که سبب تیرگی روابط با ایران شد.

روسیه به حوزه اوراسیا به‌عنوان کانون نظم جهانی به‌منظور ایفای نقش قدرت بزرگ و رسالت تمدن‌سازی خود توجه کرده است. پذیرش عضویت ایران در اتحادیه اقتصادی اوراسیایی را باید در چارچوب این راهبرد روسیه تحلیل و ارزیابی کرد (Svarin, 2016: 131-132). در حالی که روسیه به ایران به‌عنوان ابزاری برای تأمین هدف‌های خود در اوراسیای مرکزی توجه می‌کند و از عضویت این کشور در سازمان شانگهای حمایت کرده است، ایران افزایش حضور و نفوذ در سازوکارهای دوجانبه و چندجانبه را در چارچوب راهبرد قدرت منطقه‌ای خود در دستورکار قرار داده است. بر مبنای سیاست عمل‌گرایی دنباله‌روی از روسیه و حفظ وضع موجود در سطح منطقه‌ای از سوی ایران منطقی به‌نظر نمی‌رسد.

اسلام و چگونگی روابط با کشورهای اسلامی و در کانون آن ایران مورد توجه روسیه بوده و دیدگاه‌های متفاوتی از سوی جناح‌های سیاسی این کشور مطرح شده است. برای غرب‌گرایان اسلام تهدید امنیتی است و ایران به‌عنوان کشوری ایدئولوژیک نمی‌تواند شریک قابل اعتمادی برای روسیه باشد. در مقابل اوراسیاگرایان رویکرد پیچیده و متفاوتی نسبت به اسلام دارند. از دیدگاه آن‌ها همکاری با کشورهای اسلامی برای ثبات داخلی، دفع تهدیدهای امنیتی و حفاظت از مرزهای جنوبی ضروری است؛ به‌ویژه اینکه مسلمانان دومین جمعیت روسیه را تشکیل می‌دهند. راهکار مقابله با سلفی‌گری و وهابیت همکاری با ایران به‌عنوان کانون اسلام شیعی و محور مقاومت است. همکاری تهران و مسکو موازنه قدرت را در منطقه خاورمیانه و اوراسیای مرکزی در راستای محور ایران شیعی و روسیه مسیحی در تقابل با غرب تغییر می‌دهد. این نگرش زمینه همکاری مشترک ایران و روسیه را در افغانستان برای سرنوشتی طالبان و جنگ سوریه فراهم کرد. سیاست گرایش به شرق در قالب تعامل گزینشی برای مبارزه با بنیادگرایی اسلامی مؤلفه مؤثری در سیاست خارجی عمل‌گرایانه روسیه محسوب می‌شود. ایران نیز در چارچوب بازدارندگی و امنیت به‌هم پیوسته همکاری با روسیه را برای دفع تهدیدهای تروریستی و افراط‌گرایی در اولویت قرار داده است.

نتیجه

مؤلفه‌های فرهنگ راهبردی ایران بخش قابل توجهی از برنامه‌ریزی‌های این کشور را در حوزه‌های دفاعی، نظامی و سیاسی متأثر کرده است. مؤلفه‌هایی همچون خودکفایی، بازدارندگی و عمل‌گرایی هویت ایرانی‌اسلامی را تقویت کرده‌اند. این دیدگاه وجود دارد که منابع فرهنگ راهبردی ایران موجب شده‌اند که این کشور سیاست خارجی متفاوتی را پیگیری کند. انعکاس فرهنگ راهبردی ایران را می‌توان در ایستادگی و مقاومت این کشور در مقابل تهدیدهای غرب دید. راهبرد نگاه به شرق و همکاری با روسیه در چارچوب فرهنگ راهبردی ایران ارزیابی شده است. فرهنگ راهبردی روسیه ماهیت تهاجمی دارد و برآیندی از ادراک تهدید، پیشینه تاریخی و ژئوپلیتیک است که در قالب ملی‌گرایی، عمل‌گرایی و رسالت جهانی، تعیین‌کننده آئین‌های نظامی امنیتی، الگوهای رفتاری و جهت‌گیری سیاست خارجی این کشور در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی است. اندیشه قدرت بزرگ در کانون فرهنگ راهبردی روسیه قرار دارد. سیاست این کشور در مورد تحولات اوکراین و سوریه را باید در چارچوب فرهنگ راهبردی تحلیل کرد. عمل‌گرایی مبنای تصمیم‌های مسکو به شمار می‌رود و موجب پیش‌بینی ناپذیری رفتار و تناقض مواضع آن برای کشورهای هم‌چون ایران شده است.

بر مبنای مؤلفه‌های فرهنگ راهبردی ایران و روسیه، ایجاد الگویی پایدار برای گسترش روابط دو کشور دشوار است. از دیدگاه کارشناسان، روابط ایران و روسیه روابط پیچیده‌ای است و نمی‌توان تعریف مشخصی از آن ارائه کرد. این روابط در سطح‌های مختلفی دنبال می‌شود و هر سطح منطق ویژه خود را دارد. سیاست مسکو نسبت به ایران فرصت‌طلبانه و مبتنی بر هزینه‌فایده است که موجب همکاری دو کشور به صورت موردی شده است. روابط ایران و روسیه به عنوان مشارکت سنجیده و هوشیارانه توصیف می‌شود. روس‌ها روابط خود را با ایران مدیریت می‌کنند تا مانعی برای همکاری با کشورهای دیگر ایجاد نشود و تضادی با فرایند همگرایی بین‌المللی نداشته باشد. برداشت ایران و روسیه از روابط راهبردی متفاوت است. روس‌ها ایران را پیروی سیاست‌های خود در نظر می‌گیرند، ولی برداشت ایران این است که به عنوان شریک برابر با روسیه همکاری کند. برقراری روابط راهبردی با ایران منافع روسیه را در خاورمیانه با چالش روبه‌رو می‌کند. از سوی دیگر، ایران نیز باید سیاست نه شرقی-نه غربی را کنار بگذارد تا امکان برقراری روابط راهبردی با روسیه فراهم شود. بر این اساس، دو کشور یکدیگر را متحد موقت برای دستیابی به هدف‌های مورد نظر و دفع تهدیدهای امنیتی می‌دانند. هیچ توافقی بین تهران و مسکو برای همکاری نظامی و دفاعی مشترک در مقابل تهاجم کشور دیگر وجود ندارد و اگر آمریکا و متحدان آن تجاوز نظامی به ایران را در دستورکار قرار دهند، حمایت روسیه محدود به میانجیگری در چارچوب سازمان ملل است.

تضاد هدف‌ها و منافع و تعریف آن‌ها در چارچوبی متفاوت مانع شکل‌گیری گفتمان همکاری‌جویانه و پایدار میان ایران و روسیه شده است. تمایل به راهبردی شدن روابط در لایه‌های رهبری و سران نظامی امنیتی دو کشور وجود دارد، ولی به دیگر بخش‌ها تسری نیافته است. تقابل با غرب زمینه‌زندی‌های نزدیکی مواضع ایران و روسیه را فراهم کرده است؛ اما مواضع ضدآمریکایی مبنایی برای همکاری روسیه با ایران محسوب نمی‌شود. این به دلیل ادراک متفاوت نخبگان دو کشور نسبت به ایالات متحده آمریکا است. اولویت روسیه برقراری روابط با کشورهایی است که از موقعیت ژئوپلیتیکی و قدرت سیاسی و نظامی برخوردار باشند تا از ظرفیت آن‌ها برای تعامل با غرب بهره‌برداری کند. واقع‌بینی و جداکردن منافع مشترک، موازی و متعارض به‌عنوان پیش‌شرط ایجاد الگوی تعامل پایدار و روابط راهبردی ضروری است. در این زمینه، گسترش روابط تجاری و اقتصادی و تداوم همکاری‌های نظامی می‌تواند مؤثر و تعیین‌کننده باشد.

References

- Abdullahkhani, Ali (2007), **Strategic Culture**, Tehran: Tehran International Studies & Research Institute [in Persian].
- Aron, Leon (2013), "The Putin Doctrine", Available at: https://www.aei.org/uploads/2013/03/the-putin-doctrine_102338711078, (Accessed on: 13/01/2019).
- Asgari, Mahmoud (2018), "Strategic Culture of Iran; Factors and Features", **Journal of Defense Strategy**, Vol. 16, No. 61, pp. 87-127, Available at: http://ds.sndu.ac.ir/article_288.html?lang=en, (Accessed on: 09/02/2020), [in Persian].
- Asgari, Mahmoud and Hossein Minaee (2013), **Iran's Defense Diplomacy**, Tehran: Educational and Research Center of brigadier Martyr Sayyad Shirazi [in Persian].
- Asgarian, Hossein (2015), **Outlook of Iran – Russia Relations**, Tehran: Tehran International Studies & Research Institute [in Persian].
- Asisian, Njdeh (2013), "Russia& Iran: Strategic Alliance of Marriage of Convenience", **Small Wars Journal**, No. 23, pp. 1-26, Available at: <https://www.smallwarsjournal.com/jrnl/art/russia-iran-strategic-alliance-or-marriage-of-convenience> (Accessed on: 1/01/2019).
- Barzegar, Kayhan (2009), "Analyzing Iran's Foreign Policy by Offensive and Defensive Realism Theories", **Foreign Relations Quarterly**, Vol. 1, No. 1, pp. 113-153, (doi: 20.1001.1.20085419.1388.1.1.5.0) [in Persian].
- Berger, Thomas (1990), "Concept of Strategic Culture Affirmed" in: Carl Jacobsen, **Strategic Powers: USSR/US**, New York and London: Macmillan, pp.121-128, Available at: <https://link.springer.com/book/10.1007/978-1-349-20574-5.pdf>, (Accessed on: 01/08/2018).
- Booth, Ken (2005), "Strategic Culture: Validity and Validation", **The Oxford Journal on Governance**, Vol. 2, No. 1, pp. 25-28, Available at: https://www.files.ethz.ch/isn/110308/OJGG_Vol_2_N0_1.pdf, (Accessed on: 18/12/2021).

- Cohen, Ariel (2010), "Russia's Iran Policy: A Curveball for Obama", **Backgrounder**, No. 2359, pp. 1-10, Available at: https://s3.amazonaws.com/thf_media/2010/pdf/bg_2359.pdf, (Accessed on: 02/12/2018).
- Cooper, Julian (2016), "The Military Dimension of A more Militant Russia", **Russian Journal of Economics**, No. 2, pp. 129-145, Available at: <https://dx.doi.org/10.1016/j.ruje.2016.06.002>, (Accessed on: 25/06/2019).
- Dehghani Firouzabadi, Seyyed Jalal (2009), **Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran**, Tehran: SAMT [in Persian].
- Dehshiri, Mohammad Reza and Behnam Saadabadi (2019-20), "The Effect of Geopolitical Conflict between China and Russia on Reviving Russia's Western Identity", **Central Eurasia Studies**, Vol. 12, No. 2, pp. 327-343, (doi:10.22059/JCEP.2019.272725.449822) [in Persian].
- Eisenstadt, Michael (2001), "Russian Arms and Technology Transfers to Iran: Policy Challenges for the United State", **Iran Nuclear Briefs**, pp. 1-15, Available at: <https://www.armscontrol.org/act/2001-03/iran-nuclear-briefs/russian-arms-technology-transfers-iranpolicy-challenges-united>, (Accessed on: 07/01/2020).
- Ghani, Parham and Abbasgholi Asgarian (2021), "Barriers to the Formation of the Strategic Alliance between the Islamic Republic of Iran and Russia: Case Study, Iran-Russia Alliance in the Syrian Crisis", **Central Eurasia Studies**, Vol. 14, No. 1, pp. 229-249, (doi:10.22059/JCEP.2021.299709.449910) [in Persian].
- Godarzi, Soheil, Ahmad Soltaninejad, Mostafa Zahrani and Mohsen Eslami (2017), "A Survey on Iran-U.S Relationship in the light of the Strategic Culture", **International Relations Studies Journal**, Vol. 10, No. 39, pp. 119-146, Available at: http://www.prb.iauctb.ac.ir/article_535774.html?lang=en, (Accessed on: 09/02/2020), [in Persian].
- Grinberg, Alex (2015), "Iran and Russia: Similarities and Implications for Decision Making", **Middle East Review of International Affairs**, Vol. 19, No. 2, pp. 26-32, Available at: https://www.academia.edu/34527324/IRAN_AND_RUSSIA_SIMILARITIES_AND_IMPLICATIONS_FOR_DECISIONMAKING, (Accessed on: 25/09/2018).
- Hedayati Shahidani, Mahdi and Danyal Rezapoor (2017), "Near Abroad in Security Discourse of Russia's Neo- Eurasianism", **Journal of Central Asia and the Caucasus Studies**, Vol. 22, No. 96, pp. 127-161, Available at: https://www.ca.ipisjournals.ir/article_24387.html?lang=en, (Accessed on: 09/02/2019), [in Persian].
- Hunter, Shireen T. (2019), "Simmering US-Iran Tensions May Be Giving Russia an Opening for a Plan that's 300 Years in the Making", Available at: <https://www.businessinsider.com/russia-reportedly-pursuing-persian-gulf-port-amid-us-iran-tensions-2019-8>, (Accessed on: 26/09/2019).
- Johnston, Alastair Ian (1995), **Cultural Realism: Strategic Culture and Grand Strategic in Chinese History**, Princeton: Princeton University Press.
- Kadkhodae, Mustafa and Shahram Asgari Hassen (2019), "The Security Doctrine of the Islamic Republic of Iran with Emphasis on Active Deterrence and Maintenance of a Second Strike", **International Journal of Nations Research**,

- Vol. 4, No. 47, pp. 47-72, Available at: <https://rnmagz.com/article/145/RNmagz-47-3>, (Accessed on: 26/09/2019), [in Persian].
- Karami, Jahangir and Rughie Keramati Nia (2018), "Russia and the Question of West: Centuries of Borrowing and Confrontation", **Journal of Central Asia and the Caucasus Studies**, Vol. 24, No.103, pp. 131-160, Available at: http://www.ca.ipisjournals.ir/article_33857.html?lang=en, (Accessed on:09/02/2020), [in Persian].
- Katz, Mark N. (2011), "Russia and Anti- Western Regimes in the Middle East", **Amsterdam Law Forum**, Vol. 3, No. 3, pp. 102-104, Available at: https://www.researchgate.net/publication/228154232_Russia_and_Anti-Western_Regimes_in_the_Middle_East, (Accessed on: 05/10/2020).
- Khlopkov, Anton and Anna Lutkova (2010), "The Bushehr", Moscow: Center for Energy and Security Studies, pp. 1-12, Available at: <http://www.ceness-russia.org/data/doc/TheBushehrNPP-WhyDidItTakeSoLong.pdf>, (Accessed on: 05/02/2020).
- Khozhanov., Nikolay. (2017), "Russian-Iranian Relations through the Prism of the Syrian Crisis", **Insight Turkey**, Vol. 19, No. 41, pp. 105-124, Available at: <https://www.jstor.org/stable/26300560>, (Accessed on: 14/07/2019).
- Koolae, Elaheh and Alireza Noori (2010), "Putin's Pragmatism and Change in the Approaches of Russian Foreign Policy", **Politics Quarterly**, Vol. 40, No. 2, pp. 209-228, Available at: https://jfq.ut.ac.ir/article_21178.html?lang=en, (Accessed on:09/02/2020), [in Persian].
- Koolae, Elaheh and Afifeh Abedi (2018), "Geopolitical Component of the Russian Foreign Policy", **International Quarterly of Geopolitics**, Vol. 14, No. 1, pp. 1-25, (doi: 20.1001.1.17354331.1397.14.49.1.7) [in Persian].
- Longhurst, Kerry (2002), **Strategic Culture: The Key to Understanding German Security Policy**, Binghamton: Binghamton University Press.
- Maloney, Suzanne (2014), "Three Reasons Why Russia Won't Wreck the Iran Nuclear Negotiations", Available at: <https://www.brookings.edu/blog/markaz/2014/03/25/three-reasons-why-russia-wont-wreck-the-iran-nuclear-negotiations>, (Accessed on: 04/01/2020).
- Masoudi, Heydarali (2018), "American Strategic Culture and Securitizing of Iran during the Trump Administration", **Journal of Security Research**, Vol. 17, No. 61, pp. 115-135, Available at: <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1496026>, (Accessed on: 09/02/2020), [in Persian].
- More Russian Favor Soviet than Western form of Democracy" (2014), Poll Shows, available at: <https://www.Themoscowtimes.com/2014/10/29/more-russians-favor-soviet-than-western-form-of-democracy-poll-shows-a40890>, (Accessed on: 03/07/2019).
- Nami, Mohammad Hassan and Ezzatullah Ezzati (2013), **Geopolitical Analysis of Iran-Iraq Border and Its Impact on National Security**, Tehran: Danapanah [in Persian].
- Nazari, Aliashraf and Bahareh Sazmand (2008), **Identity Discourse and Islamic Revolution**, Tehran: Islamic Revolution Documents Center [in Persian].

- Nixey, James (2010), "Russian Policy on Iran: Balancing Is Best", **The World Today**, Vol. 66, No. 5, pp. 7-9, Available at: <https://www.jstore.org/stable/41962520>, (Accessed on: 8/12/2019).
- Noori, Alireza (2011), "The Nature of Great Power Thinking in Russian Foreign Policy", **Journal of Central Asia and the Caucasus Studies**, Vol. 16, No. 71, pp. 133-162, Available at: http://ca.ipisjournals.ir/article_10556.html, (Accessed on: 09/02/2019), [in Persian].
- Paulraj, Nansi (2016), "The JCPOA and Changing Dimension of the Russia-Iran Relations", **Contemporary Review of the Middle East**, Vol. 3, No.1, pp. 95-110, (doi:10.1177/2347798916633294).
- Rasooli Saniabadi and Fatemeh Ebrahimi (2020-21), "The Study of How Russia Represent "the Others" in National Security Documents with Emphasis on Iran (2000- 2018)", **Central Eurasia Studies**, Vol. 13, No. 2, pp. 465-489, (doi:10.22059/JCEP.2020.303861.449933) [in Persian].
- Saivetz, Carol R. (2012), "Medvedev's and Putin's Foreign Policies. Introduction", **Communist and Post- Communist Studies**, Vol. 45, No. 3/4, pp. 375-377, Available at: <https://www.jstor.org/stable/48610358>, (Accessed on: 01/01/2019).
- Shaffer, Brenda (2001), "Partners in Need: The Strategic Relationship of Russia and Iran", **Policy Paper**, No. 57, pp. 42-45, Available at: <https://www.searchworks.stanford.edu/view/4707132>, (Accessed on: 29/12/2018).
- Smith, James M. (2008), **Strategic Culture and Violent Non-State Actors: Weapons of Mass Destruction and Asymmetrical Operations Concepts and Cases**, Colorado: Institute for National Security Studies USAF Academy.
- Snyder, Jack (1977), **The Soviet Strategic Culture: Implications for Nuclear Limited Operations**, Santa Monica, California: Rand Corporation.
- Svarin, David (2016), "The Construction of Geopolitical Space in Russian Foreign Policy Discourse Before and After the Ukraine Crisis", **Journal of Eurasian Studies**, Vol. 7, No. 2, pp. 129-140, Available at: <https://journals.sagepub.com/doi/pdf/10.1016/j.euras.2015.11.002>, (Accessed on: 09/01/2019).
- Torabi, Ghasem and Alireza Rezaee (2011), "Strategic culture of Islamic Republic of Iran: Affirmative Context and Principle Criteria", **Strategic Studies Quarterly**, Vol. 14, No. 54, pp. 135-162, Available at: http://www.quarterly.risstudies.org/article_1298.html?lang=en (Accessed on: 02/09/2020), [in Persian].
- Trenin, Dmitri (2016), "Russia and Iran: Historic Mistrust and Contemporary Partnership", Available at: <https://www.carnegiemoscow.org/2016/08/18/russia-and-iran-historic-mistrust-and-contemporary-partnership-pub-64365>, (Accessed on: 26/09/2019).
- Valizadeh, Akbar, Gholamreza Firoziyan Haji and Morteza Shoja (2015), "Introduction to the Islamic Republic of Iran's Strategic Culture", **Journal of Islamic Revolution Research**, Vol. 4, No. 13, pp. 145-166, Available at: <https://www.sid.ir/en/journal/ViewPaper.aspx?id=536422>, (Accessed on: 09/02/2020), [in Persian].